

تجلی نماد گردونه خورشید «مهرانه» در قالی‌های ایل قشقایی

مرجان صلواتی

هیئت علمی گروه گرافیک دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری

چکیده

منطقه فارس یکی از مناطق مهم بافت قالی و گلیم در ایران است. یکی از عوامل مهم در تنوع و فراوانی گلیم در این منطقه، حضور مردم ترک و فارس در کنار هم است. ایل قشقایی بیشترین تولیدات منطقه فارس را به خود اختصاص داده و تنوع زیاد رنگ‌ها و نقشمایه‌ها از خصوصیات قالی‌های این ایل است. این مقاله بر روی نقش «مهرانه» [۱] یا صلیب شکسته در این بافته‌ها تمرکز دارد. هدف این مقاله بررسی زبان نمادین این نقشمایه در گذر زمان و ظهور آن در قالی‌های ایل قشقایی است. نظر به کثرت نقشمایه‌ها، این نوشتار علاوه بر معانی نقش مهرانه در طول زمان و فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف، به زبان این نقش و دلالت‌های تلویحی آن در بافته‌های ایل قشقایی پرداخته است. معدودی ابزار نشانه‌شناسی در انجام این امر مورد استفاده قرار گرفته است. این تحقیق

بر اساس هدف از نوع بنیادی بوده و با جستجو در کشف حقایق و واقعیت‌ها و شناخت این نقوش به تبیین ویژگی‌ها و صفات آنها می‌پردازد، اما بر اساس ماهیت و روش از نوع تاریخی و توصیفی است یعنی با استفاده از اسناد و مدارک معتبر می‌توان ویژگی‌های عمومی و مشترک این نقوش را تبیین کرده و به توصیف منظم آنها پرداخت، صفات آن را مطالعه و عندالزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی کرد و از طریق تحلیل محتوی به هدف که همانا شناخت صفات و ویژگی‌های نقش «مهرانه» و کاربرد آن در قالی‌های ایل قشقایی است، دست یافت. منابع تصویری، مکتوب و شفاهی بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: قالی‌های قشقایی، مهرانه، نشانه‌شناسی، نماد.



مقدمه

نیست که زادگاه این نگاره، آسیای مرکزی بوده است. خورشید آریایی تا پیش از هخامنشیان بازوان خمیده و منحنی و هیأت مدور داشته و بعدها خطوط و اضلاع آن مستقیم و هندسی و زاویه‌ها قائمه شده است. این نقشمایه به صورت بسط اولیه خود در فرش بافی فارس در سده‌های اخیر دیده نشده است، منتهی فرش بافان فارس نقشمایه‌های متعدد بسیاری به کار می‌گیرند که آنها را باید مشتقات مرکب و صورت‌های تکامل یافته خورشید آریایی دانست. متداول‌ترین صورت این نقش رمزی در فرش بافی فارس و نیز قفقاز و آسیای صغیر، از دو خورشید آریایی توأمان به هم چسبیده درست شده است که خمیدگی بازوان یکی از خورشیدها در جهت عقربه ساعت و دیگری در جهت مخالف آن است. قالی بافان فارس و بیش از همه بافندگان نیریز و لُر آن را غالباً در مرکز ترنج‌ها جای می‌دهند. مهرانه دارای معانی نمادین و اسطوره‌ای است که از ادوار گذشته تاکنون در تمدن‌های بسیاری تجلی یافته است. نقش آن را در روی سفال‌ها، کتیبه‌ها، نقاشی‌های صخره‌ای و یافته‌های باستان‌شناسی در طول تاریخ به کرات مشاهده می‌نماییم. حضور این



تصویر (۲) نوار تزئینی قشقایی، اوایل دهه هفتم قرن چهاردهم ه. ق.
مأخذ: (Allane, 1996, 102)

«قالیبافی در منطقه فارس و در میان اقوام مختلف عشایری جایگاه ویژه‌ای دارد. اقوام لُر که در واقع منشأ آنها اقوام قشقایی هستند، از دیگر افراد منطقه‌اند که بافته‌های آنان از اهمیت خاصی برخوردار است. همکاری بین این اقوام، مکمل و دوجانبه است. طرح و نقشه را لُر‌ها تهیه می‌کنند اما این اقوام قشقایی هستند که آنها را تکمیل نموده و بدان جلوه می‌دهند. یک نگاه به تاریخ این گروه‌های قومی می‌تواند به ما کمک کند تا تعادل را بین کارهای آنان ارزیابی نماییم.» (Tanavoli, 2002, 45). نشانه آریایی گردونه مهر یکی از دیرین‌ترین نقشمایه‌های باستانی است که اثر آن در یک مسیر چندین هزار ساله در بیشتر تمدن‌های کهن برجای مانده و از ایران، چین، هند و ژاپن تا اروپای عصر مفرغ قابل مشاهده است. تقریباً شک



تصویر (۱) خورجین قشقایی، اوایل دهه هفتم قرن چهاردهم ه. ق.
مأخذ: (Allane, 1996, 102)

نقش در بافته‌های آسیایی به ویژه اقوام عشایر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایل قشقایی

«مهاجرت قشقایی‌ها از نواحی شمال غربی و مرکزی ایران به خطه فارس یکباره و همزمان انجام نگرفته است و اول بار در دوره صفویه است که نظام ایلی در میان قشقایی‌ها مستقر می‌شود. امتزاج قشقایی‌ها با دیگر عشایر و اقوام کوچ‌رو، و نیز یکجانشین بسیار پر دامنه است. بیش از همه اقوام و عشایر، کردها و لرها با قشقایی‌ها در آمیخته‌اند. حرکت آرام و تدریجی طوایف پراکنده قشقایی به سوی جنوب ایران به مدت سه قرن و تا اواخر دوره زندیه ادامه یافت. هویت مستقل این ایل در اواخر عهد صفوی امکان پذیر شد و پس از آن رژیم پهلوی آنان را وادار به اسکان و یکجانشینی نمود. اساس و شالوده اقتصادی آنان بر دامداری و چوپانی نهاده شده است. واحد اساسی ساختمان اجتماعی ایل قشقایی، خانواده یا «بیله» است. ایل قشقایی در حال حاضر از شش طایفه شش بلوکی، کشکولی، دره‌شوری، عمله، فارسی‌مدان و کشکولی کوچک تشکیل شده است.» (پرهام، ۱۳۶۴، ۷۰).

«در میان تمام قبایل جنوبی، قشقایی‌ها به خاطر کیفیت نیرومند رنگ‌آمیزی دستبافت‌های خود و ارتباط تاریخی شان با چنگیزخان، شهرت بسیار دارند. برخی از آنان از نوادگان ترکمن‌هایی بودند که در قرن یازدهم به آذربایجان حمله کردند. قشقایی‌ها نیز

همانند بختیاری‌ها، لرها و دیگر قبایل ایران به دستور رضاشاه کوچ‌های سنتی خود را کنار گذاشتند و این امر صدمات بسیاری به آنان وارد کرد» (هال، ویوسکا، ۱۳۷۷، ۲۴۰-۲۳۹). «زوال اقوام لر و پیشرفت اقوام قشقایی بی‌ارتباط با جلوس خاندان قاجار و فروپاشی زندیه نیست. بنیانگذار زندیه، کریم خان زند، لرزاده بود ولی به منطقه فارس تعلق نداشت. در زمان وی، لرها در جنوب و غرب ایران نفوذ بسیاری داشتند، اما آقا محمدخان قاجار این تعادل را بهم ریخت. دشمنی آقا محمدخان نسبت به زند، باعث انتقال پایتخت از شیراز شد و قدرت در فارس از لر به ترک‌ها انتقال یافت. به هر حال تمامی این تنش‌ها به ساختار محکم بافته‌های ایل قشقایی آسیب وارد ننموده و بافندگان آنها چه در مورد طرح و چه در استفاده از رنگ نهایت خلاقیت خود را به کار گرفتند. در میان تمام اقوام، زنان قشقایی بیش از همه شیفته رنگ‌ها هستند. سبز، زرد، نارنجی و ارغوانی رنگ‌های غالب هستند. علاقه به رنگ نه تنها در لباس بلکه در بافته‌های زنان ایل دیده می‌شود. رنگ‌های درخشان گیاهی این بافته‌ها، آنها را از محصولات اقوام همسایه قابل تشخیص می‌نماید.» (Tanavoli, 2002, 65-70).

مشخصات بافته‌های قشقایی

قبایل قشقایی و خمسه در جنوب شرقی ایران و در اطراف شیراز زندگی می‌کنند. فرش‌های آنان دارای خصوصیات یکسان است. بافته‌های آنان اکثراً دارای



ابعاد کوچک بوده و بیشتر اختصاص به اشیاء کاربردی مانند کیف، خورجین و یراق‌های تزئینی دارد. طرح‌ها اغلب هندسی و شامل نقوش حیوانات، گل‌ها و فرم‌های انسانی است. مشخصه‌های فنی بافته‌های قشقایی عبارتند از:

- نوع گره‌ها: نامتقارن، متقارن؛
- تارها و پودها: پشمی، تارها اغلب سفید، پودها اغلب رنگرزی طبیعی و قرمز رنگ؛
- رنگ و رنگرزی: رنگ‌ها متنوع و درخشان، تونالیت‌های آبی، طلایی و سبز؛
- بیشتر قالی‌ها دو حاشیه باریک با آبی تیره متناوب و مربع‌های سفید.

«طرح‌های قشقایی شامل مدالیون سه‌تایی بوده و طرح‌ها با رنگ آمیزی قطری بر سرتاسر فرش پراکنده هستند.» (O, Bannon, 1995, 63)

قشقایی‌ها هنگام کوچ کمتر بافندگی می‌کنند و بیشتر در ماه‌های تابستان به این کار می‌پردازند. گلیم‌های قشقایی شاید از مشهورترین گلیم‌های ایرانی است. استفاده معهود از نگاره‌های کوچک و برخی تشابهات دیگر، بعضاً بیننده را به یاد گلیم‌های ترک بافت چون شاهسون می‌اندازد. گلیم‌های قشقایی دارای برش چاک‌دار است و گاه در آنها از تارهای نخ‌ی و پشم طبیعی قهوه‌ای نیز استفاده می‌شود. این گلیم‌ها به دو دسته‌اند:

گلیم‌هایی با نوارهای افقی شکل که معمولاً در بافته‌های قبایل نواحی غربی ایران مشاهده می‌شود. نوارهای

افقی و نگاره‌هایی با نوارهای باریک از قلاب‌های شناور در بین آنها، متن گلیم را تشکیل می‌دهد. گلیم‌هایی که متن مرکزی در داخل حاشیه آنها از لاله‌های بافته شده در حاشیه‌ها و عیناً مانند گلیم‌های گروه اول است و در داخل متن، دو یا سه ترنج خشتی و یا یک طرح مربع شکل وجود دارد.

نماد و نشانه‌ها در فرش‌های قشقایی

«در مشرق زمین، فرش‌ها همیشه عملکردی خاص و کارکردی نمادین داشته که تاکنون آن را حفظ کرده‌اند ولی به تدریج معانی این نمادها محو شده‌اند. این ویژگی مدلول فضای جادویی است که در مجاورت خصوصیات دنیوی محیط بشر برپا می‌شود، مانند مانع محافظتی در اطراف زمین که فضای آسمان‌ها و الوهیت را نمادپردازی می‌کند. در گذشته، تزئینات قالی‌ها به‌طور کامل برای چنین فضایی مناسب و شامل عناصر تزئینی ناب و به میزان زیاد نمادین در طبیعت بودند. این تزئینات با تحولات فرهنگی در گذر زمان، معانی عمیق خود را از دست داده و به عناصر تزئینی ساده تغییر شکل داده‌اند و منشأ آنها تقریباً غیر قابل تشخیص است. برای تشخیص همه این عناصر نمادین که در مناطق مختلف ظاهر می‌شوند و تجلی فرهنگ‌ها و مذاهب مشترک هستند، باید به معانی اصلی آنها برگردیم و لازمه آن مطالعه در فرهنگ اسلامی و حتی مذاهب قبل از اسلام همچون شمنیسم (جادوگری) و بودائیسیم است.» (Milanesi, 1997, 26)

خواندن نقوش دستبافته‌ها

روش نشانه‌شناسی جهت تأویل معانی نمادین
(سمبلیک)

گمان می‌رود که بافت گلیم در آسیای مرکزی به وسیله قبایل کوچ‌رو و ایلداتی توسعه یافته باشد. آنان در حین کوچ، با موقعیت‌های سخت آب و هوایی روبه‌رو شده و از موهای بز جهت ساخت چادرهایی برای سکونت در این مناطق استفاده کرده‌اند. موهای بز از گوسفند مقاومتر است لذا، چادرها را در برابر باران محافظت می‌نماید. همچنین از موهای بز جهت بافت گلیم برای زیرانداز کف چادر به دلیل جلوگیری از نفوذ رطوبت نیز بهره می‌جویند. بافت گلیم را معمولاً زنان زحمتکش قبایل انجام می‌دهند. این دستبافته‌ها، صنایع دستی برجسته‌ای با سلیقه سنتی و متضمن موتیف‌ها و رنگ‌های بسیاری هستند که هم اکنون در بسیاری از منازل با چیدمان مدرن کاربرد دارند. اما امروزه گلیم و فرش در روستاها و کارخانه‌ها طبق سفارش مشتریان و توزیع‌کنندگان و با سلیقه رنگ و نقش انتخابی آنان تهیه می‌شود که البته تا حد بسیار زیادی انعکاس دهنده ذائقه اروپایی است و جهت دستیابی به بازاریابی مناسب، نقش و رنگ این دستبافته‌ها، تابع فرهنگ‌های متنوع است.

زبان بافته‌ها

رمزگشایی نمادهای یک فرش به‌طور مثال (سجاده‌ای) متضمن معانی بسیار و مملو از آلام و دردهای بانندگان

آنها است و گره‌ها و طرح‌ها، از بیش از چهارصد سال پیش تاکنون، بیانگر افکار و عادات انسانها و یک نوع ارتباط باشکوه بنده با خدای خود هستند. یک گلیم دربردارنده دو معناست: اول یک محصول صنایع دستی زیبا با رنگ‌های موزون و طرح‌های برجسته، که جهت تزئین منزل کاربرد دارد و دوم عادات و سنت‌ها، غنا و فقر و ... را دربردارد.

«نشانه‌شناسی، علم بررسی نمادها و نشانه‌ها است، که بر طبق نظریه سوسور نشانه‌شناس فرانسوی از دال و مدلول تشکیل شده‌اند، و دربردارنده معانی و منسوب به چیزهای دیگری هستند. به نظر پیرس نشانه‌شناس آمریکایی ارتباط بین دال و مدلول به سه قسم است:

۱- **شمایلی:** که ارتباط میان دال و مدلول از شباهت آنها منشأ می‌گیرد، همانند عکس و تصویر.

۲- **نمایه‌ای:** که ارتباط دال و مدلول قراردادی نیست بلکه اتفاقی است، مانند آتش و سیگار کشیدن.

۳- **نمادین:** ارتباط این دو قراردادی و بر اساس دانش اجتماعی است، نظیر کبوتر و صلح، ترازو و عدالت.

طرح‌ها و موتیف‌ها در گلیم و فرش‌ها متضمن زبانی نمادین هستند. بسیاری از موتیف‌های نمادین، شمایلی و سمبلیک در این دستبافته‌ها، به انتقال اطلاعات فرهنگی در زمان کنونی به ما کمک می‌نمایند. بنابراین گلیم‌ها رسانه‌ای جهت انتقال موروثی فرهنگ به شمار

می‌روند.» (Quinn, 1994, 4).



روش‌شناسی خواندن مضامین نقوش

زبان نقوش قالی و گلیم در سه سطح مطرح است:

- احساس بصری در سطح اصلی
- طرح‌های متشکل از نقش‌ها
- آرایش نقش‌ها به معنای ایجاد ارتباطات و روابط داخلی در سطحی جامع
- برای ارزش‌گذاری یک گلیم، باید به عناصر تشکیل دهنده و فرم کلی آن توجه داشت. اگرچه تصنیف بافت این فرش‌ها از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است، اما بافنده با رمزگشایی آنها قادر به درک معانی آنان می‌شود. خواندن زبان مخصوص یک فرش به معنی درک ساختار صرف و نحوی و معانی فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و استانداردهای زندگی در آن زمان خاص است. این نمادها ممکن است که دلالت‌های ضمنی رمزی و یا اهمیت مذهبی داشته باشند.

پیام‌های بی‌شمار در مورد فرهنگ، مذهب، اعتقادات و زندگی اجتماعی آنان از گذشته تاکنون است. این بافته‌ها را زنان، هنگامی که مردها در حال جنگ یا شکار بوده‌اند، می‌بافته‌اند. آنها احساس درونی، آمال، زندگی روزانه، غم و اندوه و ترس خود را در این گلیم‌ها نمایان می‌ساختند. می‌توان گفت که هر گلیم زبان خاصی دارد که بر اساس میراث فرهنگی بافنده آن شکل گرفته و بر اساس موقعیت آنان، تجرد و تأهل، غم یا شادی، چشم به راهی تولد یک نوزاد، امید به آینده و غیره تغییر می‌کند. او سعی می‌کند که آرام و خموش احساسات درونی خود را از طریق رنگ‌های درخشان و بعضی اشکال به دنیای بیرون انتقال دهد. صرف‌نظر از شرایط منطقه‌ای و اقلیمی، بیشترین موتیف‌های متداول در بافته‌ها، به‌ویژه گلیم‌ها به چند دسته طبقه‌بندی می‌شوند که طبق جدول (۱) قابل ارزیابی هستند.

مضامین نقوش قالی و گلیم‌های قشقایی

بافته‌های عشایری نوعی زیرانداز است که بافته دست قبایل کوچ‌نشین بوده و طرح‌های آنها متضمن

مهرانه یا گردونه خورشید، فرمی صلیبی به صورت دو خط افقی و عمودی است. به نظر مردم بسیاری از مناطق، صلیب قدرت چشم بد را به چهار قسمت

نام‌های متداول موتیف‌ها	مضامین موتیف‌ها
دستها به کمر، شاخ‌های قوچ، آویزه موها، باروری، گوشواره، شانه، ستاره، امواج آب، صندوقچه، چشم شیطان	تولد، مرگ، زایش، زنان، مردان، خانواده، باروری
طلسم، مهرانه، دست، قلاب	اعتقادات
پرنده، اژدها، کزدم، رد پای گرگ، ماریچ حلزون	حیوانات
درخت زندگی	گیاهان

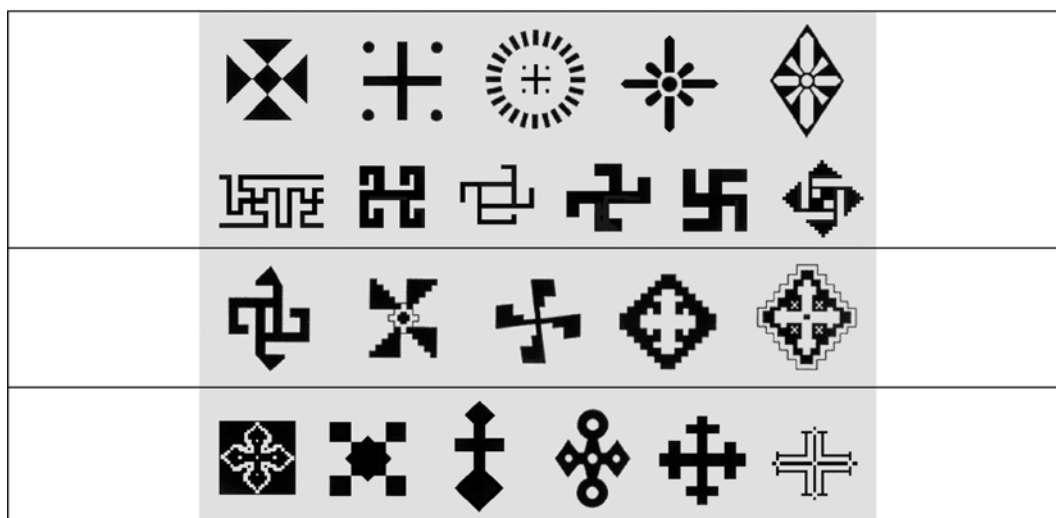
جدول (۱) مضامین بافته‌های عشایر و ایل قشقایی (مأخذ: نگارنده)

«مهرانه در تمدن اولیه آریایی در اروپا دارای جایگاهی خاص است. در چین نماد خورشید بوده و بازوهای کوتاه آن متمایل به راست و خلاف حرکت عقربه‌های ساعت و حرکت روزانه از شرق به غرب است. در تمدن ناواجو، قفقاز و مغول به معنی حرکت به سمت نور است. تصویر خلاف مهرانه با بازوهای کوتاه متمایل به چپ و موافق با حرکت عقربه‌های ساعت، بر خلاف حرکت روزانه خورشید و در آیین هندو، نشان نیروهای شیطانی و تاریکی و الهه کالی [۳] فروبرنده روح و مرگ، نگهبان تاریکی و تحریم دانایی است.» (Allane, 1996, 53). «مهرانه نمادی برای شادی یا خوشبختی و گسترده‌گی بی‌نهایت، در بیشتر فرش‌هاست. گاه به معنی «ده هزار شادی»، «عمر هزارساله» است. در هنر و ادبیات انگلیسی - آمریکایی به آن «صلیب قلاب‌دار» نیز می‌گویند.» (1972, 63, Harsh). «گردونه خورشید اساساً نشانه و نماد

کاهش می‌دهد. این موتیف متعلق به زمانی بسیار دور و قبل از مسیحیت است. این نماد از نظر شکل، شمایی و به لحاظ مفهومی، نمادین است که هر دو مفهوم را در یک مضمون داراست. در مورد حزب نازی، نمادین و در مسیحیت، شمایی است. به علاوه نشان حفاظت در برابر چشم بد بوده و نمادین است.

نماد گردونه خورشید (مهرانه)

نمادشناسی مهرانه: مهرانه، نماد فراگیر مذهبی در جهان قدیم و امروزه در آسیا، اروپا و آمریکا است. این نماد نام خود را از ترکیب سانسکریت به معنای «خوشی» و «طالع نیک» گرفته است و در فرهنگ‌های هندواروپایی در سرتاسر آسیا متجلی شده و دارای معانی بسیاری از جمله: شادی، قلب بودا، مراسم دینی در آیین بودا [۲]، مرام مردانگی، خورشید و نیرویی برای روشنایی و خوبی گانشه (خدای دانایی) در آیین هندو است.



جدول (۲) نشانه‌های متنوع گردونه خورشید یا مهرانه (مأخذ: www.kilim.com/images/motifs/cross)

مقدس متضمن نور خداشناسی، پارسایی یا سیرت پاک است. بر اساس شواهد، حضور نماد مهرانه در اشیاء خانگی قبل از تاریخ، اعتقاد بر خصایص دنیوی مانند جادو و طلسم است و گاه در پیوستگی با نمایش فلسفه نظام گیتی مانند (وابسته به ماه، خورشید و غیره) است. (Quinn, 1994, 105).





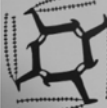


«دلالت تلویحی نقش مهرانه بسیار متنوع و گسترده است که ضرورتاً دو نماد بر اساس این دلالت وجود دارند: صلیب یونانی با بازوهایی با طول مساوی، و صلیب با چهار بازو با چرخشی در همان مسیر. در نشانه دلالت‌های تلویحی مهرانه، محققین جهان نظرات متفاوتی می‌دهند. بر طبق فرهنگ نمادها (J. E. Cirlot)، مهرانه در عصر آهن، علامت خدا و نیروی متعالی بود. بر اساس نظر تعدادی از محققین [۴]، مهرانه مرتبط با زراعت و جهات اصلی بود. محقق دیگری [۵] مهرانه را مانند یک علامت خاص دال بر چرخش حول یک محور می‌داند. در حقیقت دو نوع مهرانه وجود دارد: یک نوع مهرانه راستگرد و دیگری مهرانه چپگرد. شکل مهرانه مانند چرخه خورشید با پرتو نورانی که تا بی نهایت امتداد یافته، تفسیر شده است. با این اعتقاد که خورشید نماد حرکت و قدرت بوده است، مهرانه نماد کیش خورشیدپرستی بوده و طلسم تاریکی را باطل می‌کند و نور، شادی و زندگی را برای بشر به ارمغان می‌آورد. به این ترتیب تا زمان آریایی‌ها خورشید نماد مقدس بوده است. آیین هندو، مهرانه را نماد رویدادهای فرخنده مانند ازدواج می‌داند،

ضمناً این نماد در نزد آیین هندو نماد گانشه [۶] نیز بوده است. (Chatterjee, 1996, 45-49).

«در علم نجوم هندو، شکل فرخنده مهرانه، تغییرات نجومی خورشید در مدار رأس‌السرطان برج جدی، نشانه دهم منطقه البروج را نمایش می‌دهد و مانند یک مرد قابل احترام است. در کتاب مقدس کهن آیین هندو، مهرانه راستگرد با خورشید مرتبط بوده و از این رو یک نشانه از ویشنو [۷] خورشید ودایی و نماد چرخه جهان و مایملک کیهانی و فرآیند وابسته به آن به شمار می‌آید. مهرانه چپگرد که خلاف عقربه‌های ساعت می‌چرخد، نمایش خورشید در پاییز و زمستان و نامتبرک است. (Shaima, 2002, 105). «در اروپا یک نماد تزئینی شمایل نگاری است و مانند چرخه خورشید، بازوهای آن نماد آب، زمین، هوا، آتش و دم خرچنگ است. در طول جنگ جهانی اول، مهرانه به رنگ نارنجی بر زمینه قرمز بر شانه سربازان امریکایی وصله زده شده بود. (Heller, 2000, 86). این «کهن‌الگو» نماد جهانی مذهبی بشر است که در تمام اقلیم‌های نژاد بشر ظاهر شده است. به‌عنوان علائم گردش خورشید، در صخره‌های مردمان غیرسنتی انگلیس کنده‌کاری شده است. جهت تزئین سفال‌های یونانی و بر سلاح‌های جنگی مردم اسکاندیناوی مشاهده می‌گردد. بر دیوار غارهای فرانسه از هفت هزار سال قبل تراشیده شده بود. شکل مهرانه در شروع بسیاری از کتاب مقدس بودایی و در کف پای بودا در تندیس‌ها دیده می‌شود. در میان بومیان

آمریکا نماد خورشید، چهار جهت اصلی و چهار فصل است. مهرانه یک نوع از صلیب خورشید است با بازوهای خمیده به سمت راست که اشاره به حرکت چرخشی دارد. بسیار قبل تر از اینکه این علامت، نماد هیتلر نازی شود نماد مقدس هندو و مذاهب بودایی، اسکاندیناوی، دریاچه بالتیک و سلتی بوده است. نام آن منشأ سانسکریت داشته و به معنی خوبی، خوشی و نماد باروری و طالع نیک است. مهرانه در هنر بودایی و کتاب مقدس به نام «مانجی» [۸] به معنی توازن، هارمونی جهانی و تعادل است. هنگامی که به سمت چپ است نمایش عشق و بخشش و وقتی به سمت راست قرار می‌گیرد به معنی توانایی و هوش است. در آیین کافرکیشی قبل از مسیحیت در اروپا، مهرانه نماد عمومی خورشید بود. در منطقه دریای بالتیک، مهرانه به معنی صلیب رعد و صاعقه است.

زمینه تاریخی: مهرانه نقشی است که در هنر مشرق زمین و در تعداد زیادی از گونه‌های قالی‌های گره‌ای ایران، قزاقستان، شیروان قفقاز، چین، پرگام آناتولی و سمرقند آسیای مرکزی دیده می‌شود. این نماد اولین نشانه‌های خود را از ۵۰۰۰ سال پیش در سرامیک‌های ایلامی نشان می‌دهد. نقش مهرانه را به‌عنوان یک نشانه خوش‌یمن برای سلامتی دانسته‌اند. ریشه این کلمه سانسکریت است (ساو su یعنی خوب - اس as یعنی بودن). «در هنر هند این علامت خورشید است زیرا در بعضی از نقش و نگاره‌ها همین مهرانه در آلمان جایگزین خورشید می‌شود. در مورد قالی مشرق زمین، نقش مهرانه برای اولین بار در یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های قرن سیزدهم دیده می‌شود که عبارت است از قطعه‌ای که در مسجد علاءالدین در قونیه پیدا شده است. در قالی‌های سه قرن گذشته، نقش مهرانه به دو صورت ظاهر می‌شود: شکلی که نماد باروری است که آن را درون مربعی می‌بینیم و

نمونه (۱)	نمونه (۲)	نمونه (۳)	نمونه (۴)	نمونه (۵)	نمونه (۶)	نمونه (۷)	نمونه	ویژگی و
							نمونه	ویژگی و
حرکت در جهت عقربه‌های ساعت	حرکت در جهت عقربه‌های ساعت	مهرانه در هنر بودایی و کتاب مقدس به نام «مانجی» (Manji)	آیین کافرکیشی قبل از مسیحیت در اروپا	تزئینات مرتبط با مهرانه	نماد مهرانه در سفال‌ها	نماد مهرانه سلتی		





جدول (۳) نمادهای مذهبی گردونه خورشید یا مهرانه مأخذ: (<http://altreligion.about.com>)









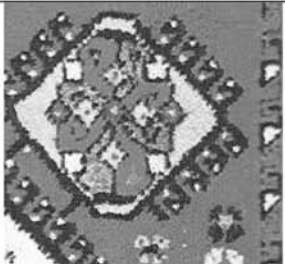

خورشید آریایی «مهرانه» در قالی‌های قشقایی

«در اوستا، میترا و خورشید، هرچند دو ایزد و خداوند بزرگند، اما جدا از هم هستند. میترا خداوند نور، فروغ و روشنایی است اما در دوران‌های بعدی، اغلب یکی دانسته شده‌اند. خورشید مقام ششم از مراحل هفت‌گانه سیر و سلوک در آیین مهر را داراست.» (رضی، ۲۴۰-۲۳۸، ۱۳۷۰). «در ایران این نگاره به نام چلیپا یا مهرانه مشهور است. بن نگار چلیپا یا مهرانه شکلی است که از تقاطع دو خط راست به صورت بعلاوه (+) حاصل می‌شود. این شکل را با اضافه نمودن زوایدی بر بازوها و به صورت‌های گوناگون و تغییر شکل یافته می‌بافند. مهرانه را به معانی گردونه خورشید و ناهید، مظهر و نماد مهرپرستی، گویای چهار جانب هستی، گویای چهار عنصر اولیه یعنی آب، آتش، خاک، باد دانسته‌اند.» (دانشگر، ۱۳۸۴، ۱۶۴). این نقشمایه به صورت بسط اولیه خود در

در حالت دوم هنگامی که در ارتباط با نقش خورشید است و در مرکز یک ستاره هشت‌پر قرار می‌گیرد.» (هانگدین، ۱۳۷۵، ۳۰). بیشترین نمادهای مهرانه در شوش، موهنجودارو و هارپا در پاکستان و سامره در بین‌النهرین مشاهده گردیده و نمادی قدیمی در سکه‌های یونانی و هندی بوده است. نمادی مذهبی و تزئینی در مصر باستان که در حفاری‌های اخیر چتال هیوک در ترکیه بر روی سفال‌ها و در معابد اولیه مسیحی نیز نقش شده است. «در بقایای باستانی مکزیک این نقش وجود دارد و هیتلر آن را به‌عنوان نماد ملی حزب نازی آلمان در نظر گرفت. وی اعتقاد داشت که این نماد قدیمی آریایی، پیروزی و کامیابی می‌آورد. هنگامی که بازوهای آن به سمت راست است «سواستیکا» [۹] و هنگامی که بازوهای آن به سمت چپ خمیده می‌شود «سواوستیکا» [۱۰] نام می‌گیرد.» (<http://www.tribuneindia.com>).

نمونه اول	نمونه دوم	نمونه سوم	نمونه چهارم
			
مختص ایل بهارلو، بازوها در جهت عقربه‌های ساعت، محیط نقش مدور	بازوهای خورشید متساوی و متوازی‌الاضلاع، محیط مدور و شبه‌بیضی، بازوها در خلاف و موافق عقربه‌های ساعت	نظم و تقارن هندسی زیاد، خط‌ها راست و محاذی یکدیگر، محیط نقشمایه چهارگوش، بازوها در خلاف و موافق عقربه‌های ساعت	بازوی افقی بزرگتر و نمایان‌تر از بازوی عمودی، بازوها در خلاف و موافق عقربه‌های ساعت

جدول (۴) نقش‌های متداول گردونه خورشید در بافته‌های قشقایی (مأخذ: نگارنده)

مکان	ابعاد	زمان بافت	جزئیات نمونه	نمونه‌ها	
عرب چرپانلو/ شکرلو	۲۳۴×۱۴۲ سانتیمتر	دهه ششم تا هشتم / قرن سیزدهم ه.ق.			تصویر (۱)
(مأخذ: پرهام، ۱۳۶۴، ۱۱۷)					
قشقایی	؟	دهه هفتم قرن چهاردهم			تصویر (۲)
رویه قالی - خورجین کوهی (مأخذ: پرهام، ۱۳۶۴، ۱۸)					
قشقایی	؟	اوایل دهه هشتم قرن چهاردهم ه.ق.			تصویر (۳)
ترنج قالی - خورجین کوهی (مأخذ: پرهام، ۱۳۶۴، ۱۸)					
قشقایی	؟	اوایل دهه هشتم قرن چهاردهم ه.ق.			تصویر (۴)
رویه قالی - خورجین، (مأخذ: پرهام، ۱۳۶۴، ۲۰)					

جدول (۵) تصاویر نمونه‌های بافته‌های ایل قشقایی (مأخذ: نگارنده)

فرش بافی فارس در سده‌های اخیر دیده نشده است، منتهی فرش بافان فارس نقشمایه‌های متعددی به کار می‌گیرند که آنها را باید مشتقات مرکب و صورت‌های تکامل یافته خورشید آریایی دانست. متداول‌ترین صورت این نقش رمزی در فرش بافی فارس و نیز قفقاز و آسیای صغیر، از دو خورشید آریایی توأمان و به هم چسبیده درست شده است که خمیدگی بازوان یکی از خورشیدها در جهت عقربه ساعت و دیگری در جهت مخالف آن است. این نگاره مرکب را «گردونه خورشید» می‌نامیم. قالی بافان فارس و بیش از همه بافندگان نیریز و لر آن را غالباً در مرکز ترنج‌ها جای می‌دهند. در فرش بافی فارس گردونه خورشید به چهار صورت به کار می‌رود که در جدول (۴) نمونه‌ها را مشاهده می‌نماییم. متداول‌ترین آنها در دستبافته‌های قشقایی فارس نمونه نوع چهارم است که در نمونه‌های انتخابی این مقاله نقش مزبور مورد نظر بوده است. (جدول ۵)

نتیجه

منطقه فارس و ایل قشقایی یکی از مناطق مهم بافت قالی و گلیم در ایران است که از خصوصیات قالی‌های این ایل، تنوع زیاد رنگ‌ها و نقشمایه‌ها است. یکی از این نمادها که از روزگاران کهن تا به امروز جایگاه ویژه‌ای در بافته‌های این منطقه داشته، نقش «گردونه خورشید»، «مهرانه» و یا «چلیپا» است. در این مقاله از بررسی پیشینه این نقش در مناطق و دوره‌های مختلف،

این نتیجه حاصل شد که مهرانه دارای نقشی نمادین، اسطوره‌ای و مذهبی است که در تمام زمینه‌های هنری از حجاری، سفالگری و فلزکاری گرفته تا قالی بافی کاربرد داشته است. مهرانه نماد فراگیر مذهبی در جهان قدیم و امروزه در آسیا، اروپا و آمریکا است و جایگاه ویژه‌ای در میان ملل مختلف دارد. کاربردهای نمادین این نقش در بردارنده دلالت‌های تلویحی بسیار از جمله موارد زیر است:

- به معنی «خوشی» و «طالع نیک» است و در فرهنگ‌های هندواروپایی در سرتاسر آسیا متجلی شده و دارای معانی بسیار دیگری از جمله: شادی، قلب بودا، مراسم دینی در آیین بودا (Karma)، مرام مردانگی، خورشید و نیرویی برای روشنایی و خوبی گانشه (خدای دانایی) در آیین هندو است.

- در چین نماد خورشید و در تمدن ناواجو، قفقاز و مغول واجد معنی حرکت به سمت نور است.

- بازوهای کوتاه مهرانه متمایل به راست و خلاف حرکت عقربه‌های ساعت و حرکت روزانه از شرق به غرب است. تصویر خلاف مهرانه با بازوهای کوتاه متمایل به چپ و موافق با حرکت عقربه‌های ساعت، بر خلاف حرکت روزانه خورشید، دور از خورشید و در آیین هندو نشانگر نیروهای شیطانی و تاریکی و الهه کالی (Kali) فرورونده روح و مرگ، نگهبان تاریکی و تحریم دانایی است.

- این «کهن‌الگو» نماد جهانی مذهبی بشر است. در تمام اقلیم‌های نژاد بشر ظاهر شده و به‌عنوان علائم

گردش خورشید، در صخره‌های غیرسلتی انگلیس
کنده‌کاری شده است.

- این نقشمایه به صورت بسط اولیه خود در
فرش بافی فارس در سده‌های اخیر دیده نشده است،
منتهی فرش بافان فارس نقشمایه‌های متعددی به کار
می‌گیرند که آنها را باید مشتقات مرکب و صورت‌های
تکامل یافته خورشید آریایی دانست. متداول‌ترین
صورت این نقش رمزی در فرش بافی فارس و نیز
قفقاز و آسیای صغیر، از دو خورشید آریایی توأمان
و به هم چسبیده درست شده است که خمیدگی
بازوان یکی از خورشیدها در جهت عقربه ساعت و
دیگری در جهت مخالف آن است. این نگاره مرکب
را «گردونه خورشید» می‌نامیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. Swastika، معادل کلمه «سواستیکا» به پیشنهاد مرحوم پیرنیا،
واژه «مهرانه» است، لذا در متن کلمه مهرانه به جای سواستیکا
استفاده گردیده است.

2. Karma
3. Kali
4. Mackenzie
5. Colley March
6. Ganesha
7. Vishnu
8. Manji
9. Swastika
10. Suavastik

فهرست منابع

۱. پرهام، سیروس (۱۳۶۴)، دستباف‌های عشایری و روستایی
فارس، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲. دانشگر، احمد (۱۳۸۴)، ۲۷ مقاله فرش دستباف، انتشارات
جهان تاب، تهران.
۳. رضی، هاشم (۱۳۷۰)، آیین مهر (میترائیسم)، انتشارات بهجت،
تهران.
۴. هال، آلستر؛ ویووسکا، جوزه لوچیک (۱۳۷۷)، گلیم تاریخچه،
طرح، بافت و شناسایی، ترجمه شیرین همایون‌فر و نیلوفر
الفت‌شایان، چاپ اول، انتشارات ایران مصور، تهران.
۵. هانگدین، آرمین (۱۳۷۵)، قالی‌های ایران، ترجمه اصغر کریمی،
انتشارات یساولی، تهران.



۶. یساولی، جواد (۱۳۷۹)، قالی و قالیچه‌های ایران، ترجمه مهشید تولایی و محمدرضا نصیری، چاپ سوم، انتشارات یساولی، تهران.

7. Allane ,Lee ,(1996) Tribal Rugs ,Thames & Hudson ,London.
8. Chatterjee ,Gautam ;Chatterjee ,Sanjoy,(1996) Sacred Hindu Symbols ,Shakti Malik ,New Delhi.
9. Harsh ,(1972) A View of Chinese Rugs from the Seventeenth to the Twentieth Century
10. Heller ,Steven ,(2000) The Swastika :Symbol Beyond Redemption ,Allworth Press ,New York.
11. Milanesi ,Enza ,(1997) The Carpet ,L .B .Tauris Publishers ,New York.
12. O,Bannon ,George ,(1995) Oriental Rugs ,The Apple Press ,London.
13. Quinn ,Malcolm ,(1994) The Swastika :Constructing the Symbol ,Routledge ,London.
14. Shaima ,Shiva ,(2002) Soul of Jainism ,Diamond Pocket Books Ltd ,New Delhi.
15. Swastika (Fylfot Cross) Dictionary of symbols, Available at: <http://altreligion.about.com>
16. Tanavoli ,Parviz ,(2002) Persian Flatweaves ,Antique Collectors Club Ltd ,.England.

